



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی عناصر تقدس و ستودگی

در شاهنامه فردوسی

نگارش:

مریم سادات رسولی آهاری

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

آقای دکتر حسین نجف دری

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

شهریور ۱۳۸۷

الله

نور السموات

والارض مثل نوره كمشكوه

فيها مصباح المصباح في زجاجه

الزجاجه كانها كوكب دري يوقد من

شجره مباركه زيتونه لا شرقيه و لا غربيه

يكاد زيتها يضيء و لو لم تمسه نار

نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء و

يضرب الله الامثال للناس و

الله بكل شيء

عليم

دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی عناصر تقدس و ستودگی

در شاهنامه فردوسی

نگارش:

مریم سادات رسولی آهاری

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

آقای دکتر حسین نجف دری

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

شهریور ۱۳۸۷



دانشگاه پیام نور

مرکز تحقیقات

پنجمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم / آقای سرمه رات رسول دانشجوئی رشته ادبیات فارسی تحت عنوان بررسی نشانه‌شناسی و سواد خوانشی در مضمون فردوسی با حضور اساتید نامبرده در ذیل در روز پنجشنبه مورخه ۲۷/۰۲/۸۷ ساعت ۱۴:۳۰ در محل ساختمان تحصیلات تکمیلی برگزار شد و پس از بحث و بررسی پایان نامه مذکور با نمره به عدد ۲۰ به حروف بیست و با درجه عالی مورد قبول واقع شد / شد.

- ۱- استاد راهنما: سرکار خانم / جناب آقای دکتر ناظم کویا
- ۲- استادمشاور: سرکار خانم / جناب آقای دکتر حسین نجف دری
- ۳- استاد داور: سرکار خانم / جناب آقای دکتر عبدالرحمن فرزاد
- ۴- نماینده محترم گروه سرکار خانم / جناب آقای دکتر ناظم کویا

امضاء استاد داور:

امضاء استادمشاور:

امضاء استاد راهنما:

امضاء نماینده محترم گروه:

صبح ها که یاد تو در کوچه های مدینه قلبم گام می نهد، باز دیده جان مدهوش حسن تو
می شود...

تقدیم به پیشگاه آسمانی نخستین گوهر دریای وجود فاطمه (س) و علی (ع)

یا ابا محمد حسن بن علی (ع)

روز مرگم نفسی وعده دیدار بده

وانگهم تا به لحد فارغ و آزاد ببر

با سپاس بی پایان از یاری همدلانۀ دو خورشید آسمان قلبم که پیوسته عشق را بر جوانۀ
کوچک وجود من پاشیدند

پدرم و مادرم که قلبم از مهرشان لبریز است

و تشکر فراوان از اساتید فرزانه ام خانم دکتر کوپا و آقای دکتر نجف دری که چراغ دانشی
را پیش پای اندیشه ام افروختند که به خاموشی نگراید

نام خانوادگی: رسولی آهاری

نام: مریم سادات

عنوان پایان نامه: بررسی عناصر تقدس و ستودگی در شاهنامه فردوسی

استاد راهنما: خانم دکتر کوپا

استاد مشاور: آقای دکتر نجف دری

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته: زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه: پیام نور

دانشکده: علوم انسانی

تعداد صفحه: ۲۵۸

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۷/۷/۲۷

کلید واژه: مقدس، ستوده، شاهنامه فردوسی، اساطیر ایرانی.

چکیده:

عناصر تقدس و ستودگی بخش مهمی از فرهنگ و ادب هر قوم را تشکیل می دهند. این عناصر به دلیل ویژگی های نجات دهنده و یاریگر خود، بسیار مورد توجه و احترام بوده اند. برای بررسی این عناصر در فرهنگ و ادب ایران، شاهنامه فردوسی منبعی بی نظیر است. شاهنامه، حافظ بخش بزرگی از فرهنگ ایران است. عناصر مقدس و ستوده شاهنامه شامل عناصر مقدس و ستوده ایرانیان از دورترین زمان تا روزگار فردوسی است.

این مقدسات گاه صورتهای نوینی از اعتقادات کهن هستند و گاه از فرهنگهای دیگر به فرهنگ ایران وارد شده اند. در بررسی مقدسات، به نظامهای کهن اعتقادی، مانند خدایان اولیه و اشکال پرستشی مانند پرستش توتم بر می خوریم. مقدسات بازگو کننده عقاید کهن مردمان در مورد آفرینش، نبرد خیر و شر، یاری رسانی نیروهای خیر به آدمیان، نجات بخشی و ... هستند.

برای سهولت در بررسی عناصر مقدس و ستوده، این عناصر را به چندین گروه تقسیم می کنیم: عناصر ماورائی، آدمیان، حیوانات، رستنی ها، خوردنیها، پوشیدنیها، اشیاء، عناصر طبیعی و اجرام سماوی، سرزمین ها و بناها، کتب، آداب و رسوم، عقاید و باورها و آیین های مذهبی.

ادامه چکیده

غالب عناصر مقدس و ستوده شاهنامه، عناصر ستایش شده اوستا و متون دینی پیش از اسلام هستند. این عناصر با گذشت زمان تغییرات بسیار یافتند اما کمابیش قداست خود را حفظ کرده اند. این پژوهش به بررسی خاستگاه، سیر تحول عناصر مقدس و ستوده، با تأکید بر اوستا و متون شاخص زرتشتی و سپس بررسی جایگاه و ویژگیهای این عناصر در شاهنامه فردوسی از آغاز تا داستان اسکندر خواهد پرداخت. مقدساتی که این پژوهش به بررسی آنها می پردازد علاوه بر مقدسات مردمان شاهنامه، مقدسات فردوسی، سراینده شاهنامه را نیز در بر می گیرد.

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

سرزمین مادری ما، خاک نیاکان و میراث پدرانمان، مهد تمدنی شگرف و زیباست که در ساختن تمدن جهان نقش بزرگی داشته است. زبان و ادبیات فارسی نگهبان گنج سرشاریست که ناشناخته مانده است. ما وارث مردمانی نجیب، پاک دین و آزاده هستیم اما صد افسوس که نیاکانمان را نشناخته ایم و در راه معرفی آنان به جهانیان پیوسته راه افراط و تفریط در پیش گرفته ایم. برای آنکه دگران بدانند فرهنگ ایرانی یعنی چه، نخست ایرانی باید بدانند که کیست و در چه ریشه دارد. راه ما در شناختن و شناساندن فرهنگمان، راهی دشوار اما ممکن است، نخست باید زبان فراموش شده پیشینیان را به یاد آوریم و با اندیشه آنان آشنا شویم.

در قرنهای حیات با شکوه فرهنگ ایران بسیاری بزرگانی که با اندیشه و سخنوری خود میراث فرهنگی ایران را غنی تر کرده اند اما هیچ کدام جایگاه فردوسی را ندارند شاهنامه فردوسی اثر بی مانند ابر شاعر پهلوان ایران، فردوسی طوسی است که عمر و دارایی در راه سرودن شاهنامه نهاد و جز احسنت بهره ای نبرد.

موضوع این پژوهش بررسی عناصر تقدس و ستودگی در شاهنامه فردوسی است. سوال های اصلی این پژوهش عبارتند از:

- آیا عناصر مقدس و ستوده شاهنامه، عناصر مقدس و ستوده ذهن فردوسی و فرهنگ زمان

اوست؟

- با گذشت زمان و تغییر دین ایرانیان عناصر مقدس و ستوده فرهنگ ایران که دیگر مظهر

شرک به شمار می آمدند در فرهنگ ایران باقی ماندند؟

و فرض بر این نهادیم که

- عناصر مقدس و ستوده شاهنامه عناصر مقدس و ستوده ذهن و فرهنگ فردوسی است.

- عناصر مقدس و ستوده فرهنگ ایران در ادامه مسیر خود یا دچار تحولات بنیادین گشتند

و یا کاملاً از میان رفتند.

ب

عناصر مقدس و ستوده فرهنگ ایران اهمیت فراوانی در فرهنگ ایران دارد. با شناختن این عناصر می توان ریشه بسیاری از اعتقادات، باورها و اعمال مردمان ایران زمین را بازشناخت. هدف این پژوهش آشکار کردن زوایایی از فرهنگ ایران است که کمتر به طور مستقیم بدان پرداخته شده است. نتایج این گونه پژوهشها در حوزه های ادبیات جامعه شناسی، انسان شناسی، دین پژوهی، سیاست و... می تواند راه گشای اندیشمندان باشد.

متأسفانه در عرصه شناخت مقدسات ایرانی فعالیتهای شایسته ای انجام نگرفته است. امید است که این گونه پژوهشها آغازگر این راه باشد.

در این پژوهش از چند کتاب به عنوان پایه و مبنا استفاده شده است. این کتابها عبارتند از: اوستا (دوستخواه)، فرهنگ اساطیر و داستان واره ها (یاحقی)، لغت نامه دهخدا و پژوهشی در اساطیر ایران (بهار) که به جهت جامعیت و موجز بودن برگزیده شده اند. در بررسی عناصر غالباً شیوه کار این بوده است که نخست به معرفی عنصر از طریق کتابهای دیگر پرداخته شود و پس از آن، عنصر مورد بحث در شاهنامه بررسی گردد. در مورد عناصر مقدسی که داستان آنها در شاهنامه آمده است به ذکر داستانشان نیز به صورت نثر آمیخته به نظم پرداخته شده است این نثر که با ذکر منبع آن آغاز می شود ترجمه ابیات شاهنامه به صورت خلاصه است. در مورد شواهد شعری سعی شده است از ابیاتی استفاده گردد که جامع تر از دیگر ابیات بوده اند. در نقل قول این ابیات صورت نوشتاری اصلی آنها حفظ شده است.

ترتیب فصلها و زیر فصلها بر اساس اهمیت موضوع در شاهنامه بوده است، در مواردی که اهمیت عناصر به هم نزدیک بوده است ترتیب الفبایی حفظ شده است اما فصلهای «عناصر ماورائی» و «آیین های مذهبی» به دلایلی که در مقدمه ذکر می گردد خارج از ترتیب معمول آورده شده است.

سعی شده است رابطه حجم مطالب این پژوهش با حجم و تنوع ابیاتی که در مورد هر عنصر در شاهنامه وجود دارد حفظ شود. در انتهای این پژوهش نمودارهایی آورده شده است تا در نظر اجمالی بتوان تنوع مطالب را نسبت به هم سنجید.

شیوه ارجاع در این پژوهش بدین صورت بوده است:

ارجاع ابیات شاهنامه: (جلد/صفحه/بیت)

ارجاع آیات قرآن: (سوره/ آیه)

(رج): رجوع شود به مدخل ذکر شده در همین پژوهش

(/ / ح): ابیات حاشیه شاهنامه

این بررسی به دلیل زیاد بودن مقدسات و تنگ بودن حوصله کلام در جلد های ۱ تا ۷ (از آغاز شاهنامه تا داستان اسکندر) صورت گرفته است و بررسی ما بقی جلد ها، به فرصتی دیگر موکول شده است.

در پایان شایسته است از راهنمایی های بی دریغ و حوصله بسیار استاد فرزانه ام خانم دکتر کوپا و دقت نظر عالمانه استاد گراندردم آقای دکتر نجف دری و همچنین زحمات فراوان دیگر اساتید بزرگوارم در دانشگاه پیام نور و دانشگاه تهران به ویژه بانوان فرهیخته ایران زمین سپاسگذاری کنم که اگر امروز دست من از شاخسار بلندی سیب می چیند بر شانه های استوار آنان ایستاده ام.

فهرست

عنوان..... صفحه

مقدمه..... یک

فصل اول

۲.....	۱-آدمیان.....
۱۱.....	۱-۱-شاهان.....
۱۴.....	۱-۱-۱-جمشید.....
۱۸.....	۱-۱-۲-طهمورث.....
۲۰.....	۱-۱-۳-فریدون.....
۲۴.....	۱-۱-۴-کی خسرو.....
۳۰.....	۱-۱-۵-کیومرث.....
۳۲.....	۱-۱-۶-گشتاسپ.....
۳۵.....	۱-۱-۷-لهراسپ.....
۳۷.....	۱-۱-۸-هوشنگ.....
۳۹.....	۱-۲-خاندان شاهی.....
۳۹.....	۱-۲-۱-آبتین.....
۴۱.....	۱-۲-۲-ارنواز و شهرناز.....
۴۲.....	۱-۲-۳-اسفندیار.....
۴۷.....	۱-۲-۴-اغریرث.....
۴۹.....	۱-۲-۵-ایرج.....
۵۱.....	۱-۲-۶-پشوتن.....
۵۲.....	۱-۲-۷-زریر.....
۵۴.....	۱-۲-۸-سیامک.....
۵۵.....	۱-۲-۹-سیاوش.....
۵۹.....	۱-۲-۱۰-فریبرز.....

- ۳-۱- پیامبران
- ۳-۱-۱- اشوزرتشت ۶۱
- ۳-۱-۲- محمد(ص) ۶۳
- ۳-۱-۳- موسی(ع) ۶۴
- ۴-۱- مقامها و مشاغل ۶۵
- ۴-۱-۱- اسقف ۶۶
- ۴-۱-۲- بطریق ۶۶
- ۴-۱-۳- جاثلیق ۶۷
- ۴-۱-۴- راهب ۶۷
- ۴-۱-۵- رد ۶۷
- ۴-۱-۶- سکویا ۶۸
- ۴-۱-۷- مغ ۶۸
- ۴-۱-۸- موبد ۶۹
- ۴-۱-۹- هیربد ۷۱
- ۵-۱- بزرگان مذهبی
- ۵-۱-۱- بزرگان شیعه ۷۱
- ۵-۱-۱-۱- بتول(س) ۷۱
- ۵-۱-۲-۱- علی(ع) ۷۲
- ۵-۱-۲- ابوبکر ۷۳
- ۵-۱-۳- جاماسپ ۷۳
- ۵-۱-۴- شهرسپ ۷۵
- ۵-۱-۵- عثمان ۷۶
- ۵-۱-۶- عمر ۷۶
- ۵-۱-۷- هوم ۷۶
- ۶-۱- پهلوانان ۷۸
- ۶-۱-۱- آرش ۷۹
- ۶-۱-۲- بیژن ۸۰
- ۶-۱-۳- رستم ۸۲
- ۶-۱-۴- زال ۸۹

۹۲.....	۱-۶-۵-سام
۹۵.....	۱-۶-۶-طوس
۹۸.....	۱-۶-۷-کاوہ
۹۹.....	۱-۶-۸-گرشاسپ
۱۰۰.....	۱-۶-۹-گیو
۱۰۳.....	۱-۶-۱۰-نریمان

فصل دوم

۲-حیوانات

۱۰۶.....	۲-۱-اسب
۱۰۷.....	۲-۱-۱-بہزاد
۱۰۸.....	۲-۱-۲-رخش
۱۱۱.....	۲-۲-گاو
۱۱۲.....	۲-۲-۱-برمایہ
	۲-۳-مرغان
۱۱۴.....	۲-۳-۱-سیمرغ
۱۱۶.....	۲-۳-۲-ہمای

فصل سوم

۳-رستنی‌ها

۱۱۹.....	۳-۱-درخت
۱۲۰.....	۳-۱-۱-سرو کاشمر
	۳-۲-گیاه
۱۲۲.....	۳-۲-۱-اسپند
۱۲۲.....	۳-۲-۲-فر سیاوشان

فصل چهارم

۴-خوردنیها

۱۲۵.....	۴-۱-می
۱۲۶.....	۴-۲-نان و نمک
۱۲۷.....	۴-۳-نوش دارو

فصل پنجم

۵- پوشیدنیها

- ۱۳۰..... ۵-۱- بربیان
- ۱۳۱..... ۵-۲- زره سیاوش
- ۱۳۱..... ۵-۳- کشتی

فصل ششم

۶- اشیاء

- ۱۳۴..... ۶-۱- پر سیمرغ
- ۱۳۵..... ۶-۲- جام کی خسرو
- ۱۳۶..... ۶-۳- درفش کاویان
- ۱۳۷..... ۶-۴- زنجیر اسفندیار
- ۱۳۸..... ۶-۵- گرز گاوسر
- ۱۳۹..... ۶-۶- مهره کی خسرو

فصل هفتم

۷- عناصر طبیعی و اجرام سماوی

۷-۱- عناصر

- ۱۴۲..... ۷-۱-۱- آب
- ۱۴۵..... ۷-۱-۲- آتش
- ۱۵۰..... ۷-۲- آسمان
- ۱۵۳..... ۷-۲-۱- بهرام
- ۱۵۳..... ۷-۲-۲- تیر
- ۱۵۵..... ۷-۲-۳- خورشید
- ۱۵۷..... ۷-۲-۴- ماه
- ۱۵۹..... ۷-۲-۵- ناهید

۷-۳- دریا

- ۱۶۰..... ۷-۳-۱- چیچست
- ۱۶۱..... ۷-۴- کوه
- ۱۶۲..... ۷-۴-۱- البرز
- ۱۶۴..... ۷-۴-۲- قاف

فصل هشتم

۸- سرزمینها و بناها

۸-۱- سرزمینها

- ۱۶۷..... ۸-۱-۱- ایران
- ۱۶۸..... ۸-۱-۲- بلخ
- ۱۶۹..... ۸-۱-۳- گنگ دژ هودج
- ۱۶۹..... ۸-۱-۴- مگه
- ۲-۸- بناها
- ۱۷۰..... ۸-۲-۱- آتشکده
- ۱۷۱..... ۸-۲-۱-۱- آذربرزین
- ۱۷۲..... ۸-۲-۱-۲- آذر گشسپ
- ۱۷۳..... ۸-۲-۱-۳- نوش آذر
- ۱۷۴..... ۸-۲-۲- کاخ کاوس

فصل نهم

۹- کتب

- ۱۷۷..... ۹-۱- اوستاو زند

فصل دهم

- ۱۸۰..... ۱۰-۱- آداب و رسوم
- ۱۸۰..... ۱۰-۱- از آتش گذشتن
- ۱۸۳..... ۱۰-۲- پیمان
- ۱۸۵..... ۱۰-۳- سده
- ۱۸۶..... ۱۰-۴- کین خواهی
- ۱۸۸..... ۱۰-۵- مهرگان
- ۱۸۹..... ۱۰-۶- نوروز

فصل یازدهم

۱۱- عقاید و باورها

- ۱۹۲..... ۱۱-۱- پیشگویی، ستاره بینی و خوابگذاری
- ۱۹۶..... ۱۱-۲- رویین تنی
- ۱۹۷..... ۱۱-۳- صلیب
- ۱۹۸..... ۱۱-۴- فر

- ۱۱-۵- قبله ۲۰۲
- ۱۱-۶- نام ۲۰۲
- ۱۱-۷- نیا ۲۰۴
- ۱۱-۸- هفت ۲۰۵

فصل دوازدهم

- ۱۲- آیین های مذهبی ۲۰۸
- ۱۲-۱- آیین و دین ۲۰۸
- ۱۲-۱-۱- دین به ۲۱۱
- ۱۲-۲- آفرین ۲۱۲
- ۱۲-۳- باژ ۲۱۳
- ۱۲-۴- پرستش ۲۱۳
- ۱۲-۵- سپاس ۲۱۵
- ۱۲-۶- ستایش ۲۱۵
- ۱۲-۷- نماز و روزه ۲۱۷
- ۱۲-۸- نیایش ۲۱۷

فصل سیزدهم

۱۳- عناصر ماورائی

- ۱۳-۱- خداوند ۲۲۰
- ۱۳-۱-۱- بغ ۲۲۱
- ۱۳-۱-۲- دی ۲۲۲
- ۱۳-۱-۳- هرمزد ۲۲۲
- ۱۳-۲- امشاسپندان ۲۲۳
- ۱۳-۲-۱- اردیبهشت ۲۲۴
- ۱۳-۲-۲- امرداد ۲۲۵
- ۱۳-۲-۳- بهمن ۲۲۵
- ۱۳-۲-۴- خرداد ۲۲۶
- ۱۳-۲-۵- سفندارمذ ۲۲۷
- ۱۳-۲-۶- شهریور ۲۲۸
- ۱۳-۳- ایزدان ۲۲۹

۲۲۹.....	۱۳-۳-۱- ارد
۲۳۰.....	۱۳-۳-۲- سروش
۲۳۲.....	۱۳-۳-۳- مهر
۲۳۴.....	۱۳-۴-۴- فرشته
۲۳۵.....	۱۳-۴-۱- جبرئیل
۲۳۵.....	۱۳-۴-۲- هاروت و ماروت
۲۳۶.....	۱۳-۵-۵- بهشت
۲۳۷.....	۱۳-۵-۱- حور
۲۳۸.....	۱۳-۵-۲- رضوان
۲۳۹.....	نتیجه گیری
۲۴۲.....	منابع و مأخذ

پیوست ها

مقدمه:

آنچه در ابتدای این مقال در خور بررسی و تأمل است، ارائه تعاریفی هرچند مختصر از عناصر تقدس و ستودگی و منبع مورد نظر آن، شاهنامه فردوسی است:

الف-عناصر تقدس و ستودگی

عنصر در فرهنگهای فارسی به معانی «داهیه و بلا»، «همت و قصد»، «همه»، «حاجت»، «بیخ و اصل و بن»، «اصل و بنیاد»، «حسب»، «هیولی»، «جسم بسیط و ماده و آخشیج»، «کی»، «کیا»، «گوهر» و «اسطقس» آمده است. در فارسی امروز عنصر به معنی «شخص»، «فرد» و «وجود» به کار می رود. (دهخدا: ذیل عنصر)

واژه «تقدس» مصدر عربی به معنای «پاک شدن» است. این واژه در فارسی به معنای «تطهر»، «پاک شدن و پاک کردن»، «پاکی و پارسایی» و «پاک و پاکیزه بودن» به کار رفته است. (دهخدا: ذیل تقدس)

مقدسات بخش مهمی از اعتقادات بشر را تشکیل می دهند، مقدسات یاری رسان و نجات دهنده اند، مردمان به این مقدسات سوگند می خورند و آنان را شاهد اعمال و پیرو حق و عدالت می دانند. مقدسات در رنج، نگرانی و دشواری دستگیر بشر هستند و به او امید و توانایی می دهند با این وجود در مورد مفهوم مقدس کمتر کسی به صراحت سخن گفته است. اغلب افراد یا این مفهوم را از بدیهیات می دانند و یا به جهت هاله ای از حرمت که پیرامون قداست شکل گرفته است نمی توانند یا نمی خواهند از آن تعریفی واضح ارائه دهند. از سویی دیگر مفهوم این واژه و برخورد مردمان با آن در طی زمان و از جامعه ای به جامعه دیگر تفاوت می یابد. آنچه در نظر فارسی زبانان امروز مقدس است تمام آنچه در نظر فارسی زبانان عصر فردوسی و زمانهای دورتر مقدس بوده است، نیست. مقدسات در طی زمان، بر خلاف سایر اجزاء تشکیل دهنده فرهنگ، به سادگی از فرهنگی به فرهنگ دیگر

می روند و شکل و صورتی تازه به خود می گیرند تا آنجا که بازشناسی خاستگاه آنان بسیار دشوار می گردد.

واژه تقدس در ذهن و اندیشه بسیاری از افراد در ارتباط مستقیم و یا با واسطه، با نیروهای ماورائی که غالباً خدایان، ایزدان و ارواح هستند، مفهوم پیدا می کند. این نیروها قدرتی برتر از قدرت بشر دارند، بخشنده نیرو، برکت، فراوانی، آسایش، شادی، سلامت و هر چه نیک انگاشته می شود، هستند و می توانند معتقدان به خود را از مرگ، ضعف، سستی، بیماری، نقص، آشوب، قحطی و هر آنچه در نظر بشر نامطلوب به شمار می آید دور کنند. این نیروهای برتر در مجموع سر منشأ خیر و یا دور دارنده شر به حساب می آیند. امور قدسی عبارتند از: آئینها، تمانیل الهی، اشیاء مقدس، رموزها، کیهان شناخت ها، الاهیات، انسانهای متبرک، جانوران، گیاهان، مکانهای مقدس و غیره. (الیاده، ۱۳۷۲ [۱]، ۴-۲۳)

برای کمک خواستن از این نیروهای برتر، مردمان گذشته آیینهایی برگزار می کردند که در نظر آنان به فرمان این نیروها انجام می گرفت. مردمان با انجام آیینها و رعایت حرمتهایی که می پنداشتند از سوی نیروهای برتر وضع شده یا مورد تأیید آنهاست، انتظار توجه و یاری از سوی آنان را داشتند. تخطی از این آیینها خشم نیروهای برتر را بر می انگیخت به این معنا که در نهایت به مجازات نافرمانان یا قطع کمک های ضروری به آنان می انجامید. حفظ آداب و سننی که به دستور و یا تأیید نیروهای برتر انجام می گرفت، از نظر این مردم در حکم ضروریات و امور واجب بود و شکنندگان این آداب و سنن نیز مورد خشم و یا بی توجهی نیروهای برتر قرار می گرفتند.

مقدسات عصر نگارش شاهنامه عبارتند از نیروی برتر و دستگاه خداوندی او؛ آیینهای مرتبط با ماورا؛ نیک مردان و نیک زنانی که مورد تأیید و عنایت نیروی برتر بودند، جانداران تحت تأثیر نیروهای خیر ماورائی؛ اشیاء نظر کرده؛ عناصری که نجات بخش و یاریگر و متصل کننده انسان به ماورا بودند؛ مکانهای مقدسی که در آنها واقعه ای ماورائی رخ داده یا می دهد، مکانهایی که در آن امکان مواجهه مستقیم معتقدان با حقیقتی که در سنت آمده، وجود دارد (همان، ۱۳۷۲ [۲]: ۱۰۳)؛ باورداشتهای مردمان کهن در مورد عناصر مقدس؛ و آداب و سننی که نیروهای برتر موجد و یا مشوق آن بوده اند.